

تحلیل عوامل مؤثر بر نگرش خانوارهای روستایی تالاب شادگان در خصوص تنوع زیستی کشاورزی

رقیه یوسفی حاجیوند^{۱*}، منصور غنیان^۲، مسعود برادران^۳، لیلا رمضان^۴

تاریخ دریافت: ۱۷ خرداد ۹۳

تاریخ پذیرش: ۲۷ دی ۹۳

چکیده

تالاب شادگان، به عنوان یکی از تالاب‌های بین‌المللی کنوانسیون رامسر، تنوع زیستی کشاورزی بی‌نظیری در حوزه‌ی خود دارد که علاوه بر زراعت و دامداری، ماهیگیری، شکار پرند، نی‌بری و برداشت علوفه نیز منافع هستند که نصیب حاشیه‌نشینان آن می‌گردد. اما این بهره‌برداری‌ها، تهدیدهای زیادی برای حیات تالاب به همراه داشته است. لذا لزوم انجام فعالیت‌های مشارکتی مردم‌نهاد در حفاظت و مدیریت تالاب محسوس می‌باشد که این امر جز با شناخت سطوح نگرش و دانشی حاشیه‌نشینان میسر نخواهد بود. بنابراین پژوهش حاضر با هدف تحلیل نگرش خانوارهای روستایی و شناسایی عوامل مؤثر در خصوص تنوع زیستی کشاورزی در حوزه‌ی تالاب شادگان، به روش پیمایشی صورت گرفته است. جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی خانوارهای روستایی حوزه‌ی تالاب بوده است ($N=950$). نمونه‌ی آماری با استفاده از جدول مورگان، ۲۷۳ خانوار به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شدند ($n=273$). ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بود که روایی آن، توسط پانل متخصصان دانشگاه رامین مورد اصلاح و تأیید قرار گرفت. پایایی آن نیز با انجام آزمون پیش‌آهنگ در دهستان خانفاره با استفاده از نرم‌افزار SPSS_{v20} برای گویه‌های دانش و نگرش به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۳ به دست آمد. یافته‌ها نشان داد ۴۹/۱ درصد از روستاییان در خصوص تنوع زیستی کشاورزی نگرشی نسبتاً منفی داشتند. همچنین متغیر دانش (با ضریب ۰/۵۴۸) توانسته بود بیشترین واریانس نگرش را تبیین نماید.

واژه‌های کلیدی: استان خوزستان، تالاب شادگان، تحلیل تشخیصی، تنوع زیستی کشاورزی، نگرش.

۱ - دانش‌آموخته‌ی کارشناسی‌ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، ملاثانی.

۲ - استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، ملاثانی.

۳ - دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، ملاثانی.

۴ - استادیار گروه گیاهپزشکی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، ملاثانی.

*- نویسنده مسئول: venus110@gmail.com

مقدمه

در سال‌های اخیر، نگرانی‌های فراوانی در سطح جهان در رابطه با اثرات و عواقب برخی از فعالیت‌های بشری مانند افزایش فشار بر طبیعت پس از انقلاب سبز^۱، پیدایش سموم و کودهای شیمیایی، مدیریت نادرست در کشاورزی، خشکانیدن تالاب‌ها و توسعه‌ی صنعتی، بر محیط زیست و جامعه مشاهده گردیده است (علیپور و همکاران، ۱۳۸۷). بی‌شک از دست دادن هر یک از گونه‌های تنوع زیستی، ادامه‌ی حیات را برای جهانیان دشوار می‌سازد؛ چرا که امنیت غذایی و معیشتی انسان‌ها به این منابع وابسته است (ساندرز^۲، ۲۰۱۰). اصلی‌ترین جزء تنوع زیستی در بوم‌سازگان‌های^۳ کشاورزی، تنوع زیستی کشاورزی می‌باشد که دربرگیرنده‌ی انواع گونه‌های گیاهی، جانوری و میکروارگانیسم‌ها بوده که ارزش‌های متعددی برای بقاء و معیشت انسان‌ها در پی دارد (کُزیل^۴، ۲۰۰۱). متأسفانه امروزه این تنوع با تهدیدهای زیادی نظیر فشار توسعه، تجارت، برنامه‌های دولت، و نابودی زیستگاه‌های آن توسط بهره‌برداران بومی روبه‌رو می‌باشد (ساراب‌های^۵، ۲۰۰۷). مطابق گزارش وضعیت منابع ژنتیک جهان در سال ۲۰۰۷، ۶۰ نوع گونه‌ی گاو، بز، اسب و طیور در پنج سال اخیر از دست رفته‌اند؛ و همچنین ۷۵ درصد تنوع ژنتیکی^۶ محصولات کشاورزی مخصوصاً گیاهان بومی، در مناطق اصلی خود از بین رفته‌اند (سنجری و کشاورز، ۱۳۸۸). در ایران نیز تنوع غنی گیاهی و جانوری، صرف نظر از عوامل طبیعی (که تأثیر ناچیزی دارند)، اغلب توسط عوامل انسانی در حال تهدید جدی می‌باشند (مخدوم، ۱۳۸۴). بدیهی است کاهش تنوع زیستی کشاورزی، قطع زنجیره‌های غذایی و آسیب به بوم‌سازگان‌های طبیعی را در پی خواهد داشت (اتحادی و همکاران، ۱۳۹۰). به همین دلیل بشر در جستجوی راهکارهایی برای حفظ و مدیریت تنوع زیستی کشاورزی می‌باشد (پراسادگری و همکاران^۷، ۲۰۰۰). یکی از این راهکارها، کشاورزی ارگانیک^۸ بوده است که مدرن شده‌ی کشاورزی سنتی^۹ می‌باشد. کشاورزی ارگانیک در صدد به‌کارگیری فناوری‌های پیشرفته‌ای است که نسبت به پایداری و حاصلخیزی محیط، سازگار و مفید باشند، و تأثیرات منفی بر بهداشت و سلامت اجتماع و محیط زیست برجای نگذارد (پالمر^{۱۰}، ۲۰۰۳). اما پیروی از کشاورزی ارگانیک به‌منظور حفظ تنوع زیستی کشاورزی، بدون تمرکز بر جوامع محلی که ارتباط تنگاتنگی با این منابع ارزشمند دارند، امکان‌پذیر نمی‌باشد (استوکینگ^{۱۱}، ۱۹۹۹). نمونه‌ای از این نوع مدیریت را می‌توان در حوزه‌ی تالاب‌ها مشاهده نمود. تالاب‌ها از جمله عرصه‌های طبیعی هستند که نقشی پُررنگ در حفاظت از تنوع زیستی در سطح محلی و جهانی ایفاء می‌کنند. تالاب شادگان که در جنوب استان خوزستان قرار دارد، با داشتن وسعت زیاد و تنوع زیستی

-
- 1- Green Revolution
 - 2- Sanders
 - 3- Ecosystems
 - 4- Koziell
 - 5- Sarabhai
 - 6- Genetic Diversity
 - 7- Prasad Giri et al.
 - 8- Organic Agriculture
 - 9- Traditional Agriculture
 - 10- Palmer
 - 11- Stocking

غنی، در سال ۱۳۵۴ در فهرست تالاب‌های بین‌المللی کنوانسیون رامسر^۱ ثبت گردید (خواجه‌پور و همکاران، ۱۳۸۹). علاوه بر گندم، خرما و برنج که از عمده‌ترین محصولات کشاورزی در حوزه‌ی این تالاب به‌شمار می‌رود، دامداری (گاو‌میش)، ماهیگیری، شکار پرنده، نی‌بری و برداشت علوفه نیز از جمله منافع هستند که از تالاب نصیب مردم بومی منطقه می‌گردد. همچنین پوشش گیاهی متنوع این تالاب موجب رونق صنایع دستی در منطقه شده، که بخشی از صادرات غیرنفتی استان را تأمین می‌کند (عابدی و همکاران، ۱۳۸۹). در واقع وابستگی معیشت، سلامت و اقتصاد حاشیه‌نشینان با تالاب شادگان بر همگان آشکار می‌باشد و به‌گونه‌ای است که مرگ تالاب، مرگ آن‌ها را به دنبال خواهد داشت. اما عوامل تهدیدکننده‌ی متعددی این تالاب را در معرض آسیب‌پذیری قرار داده است؛ از جمله مهم‌ترین این عوامل شامل خشکسالی و پدیده‌ی ریزگردها در سال‌های اخیر، همچنین ورود بیش از ۵۰ میلیون مترمکعب فاضلاب شهری و روستایی، ورود ۴۰ تا ۶۰ مترمکعب پساب آلوده‌ی صنایع فولاد، و نیز ورود ۲۰ تا ۲۵ هزار مترمکعب پساب نیشکر به آب تالاب بوده، که اثرات جبران‌ناپذیری بر تنوع زیستی، کشاورزی و سلامت بهره‌برداران آن به دنبال داشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از گونه‌های گیاهی و جانوری در منطقه منقرض شده‌اند (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۸۸). بنابراین مطابق دیدگاه کلی توسعه‌ی پایدار، تمرکز بر توانمندسازی و افزایش ظرفیت خانوارهای روستایی حاشیه‌نشین تالاب به‌ویژه از طریق آموزش و آگاهی‌رسانی، به‌منظور مشارکت آن‌ها در حفاظت از تالاب از طریق حفظ تنوع زیستی کشاورزی در حاشیه‌ی آن، امری حیاتی در جهت حفاظت و مدیریت این منابع ارزشمند محسوب می‌گردد. به همین منظور تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال اصلی صورت پذیرفته است که سطح نگرش خانوارهای روستایی ساکن در حاشیه‌ی تالاب، در خصوص تنوع زیستی کشاورزی در چه وضعیتی قرار دارد و چه عواملی بر آن تأثیر می‌گذارد.

از جمله مطالعات انجام شده در جهان می‌توان به تحقیق سمیعی (۱۳۸۸) اشاره کرد که در بررسی سازوکارهای توانمندسازی کشاورزان در حفاظت از تنوع زیستی کشاورزی به این نتایج رسید که بین متغیرهای میزان اراضی، با متغیر تنوع گیاهی در واحد سطح رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتیجه‌ی دیگر این که بین افراد شرکت‌کننده در دوره‌های ترویجی و افرادی که شرکت نکرده بودند، از نظر نگرش آن‌ها در خصوص تنوع گیاهی در واحد سطح، تفاوت معنی‌داری مشاهده شد. نیمعی و همکاران (۱۳۸۸)، در بررسی نگرش متخصصان بیوتکنولوژی در مورد کاربرد گیاهان تراریخته بیان داشتند که اکثریت آنان نسبت به تولید گیاهان تراریخته دارای نگرش منفی و نسبتاً منفی بودند. همچنین به عدم وجود همبستگی معنی‌دار بین سن، و عوامل آموزشی- ترویجی با نگرش متخصصان در مورد گیاهان تراریخته دست یافتند. شاهرودی و همکاران (۱۳۸۸) در بررسی دانش و نگرش کشاورزان در مورد شیوه‌های مدیریت پایدار خاک زراعی، به تأثیر سن و میزان تحصیلات بر دانش و نگرش کشاورزان دست یافتند؛ همچنین عدم همبستگی بین بیمه‌ی محصولات کشاورزی، با طبقات رفتاری و نگرشی کشاورزان مشاهده نمودند. اتحادی و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی عوامل تأثیرگذار بر دانش و نگرش کشاورزان در زمینه‌ی مدیریت تلفیقی آفات بیان داشتند که متغیرهای سن و سابقه‌ی فعالیت کشاورزی،

بیشترین تأثیر را بر دانش فنی آنان، و متغیر دانش نیز خود یکی از متغیرهای مهم اثرگذار بر نگرش کشاورزان بوده است. قدیمی و همکاران (۱۳۹۱) نیز در بررسی عوامل مؤثر بر نگرش کشاورزان در مورد کشاورزی ارگانیک، بیان داشتند که اکثر کشاورزان نگرش مثبتی نسبت به آن داشتند؛ و متغیرهای شرکت در کلاس‌های ترویجی- آموزشی و نیز سطح تحصیلات نقش مؤثری بر نگرش کشاورزان در این خصوص داشته‌اند. اُکلی و مُمسنت^۱ (۲۰۰۵) در خصوص بررسی نقش جنسیت بر حفاظت از تنوع زیستی کشاورزی، بیان داشتند که جنسیت نقش مهمی در افزایش تنوع زیستی کشاورزی داشته است و نقش زنان را در این زمینه، بیشتر از مردان مشاهده نمودند. مادبو و همکاران^۲ (۲۰۰۵)، عبدالالی و همکاران^۳ (۲۰۰۸)، و پادمانابهان^۴ (۲۰۱۱)، در مطالعات خود به نتیجه‌ای مشابه دست یافتند؛ زیرا زنان روستایی را دارای نگرش و درک بیشتری برای مشارکت در حفظ و مدیریت تنوع زیستی کشاورزی به دلیل وابستگی منافع آن‌ها به این منابع یافتند. همچنین مادبو و همکاران (۲۰۰۵)، در نتایج حاصل از بررسی نقش دانش بومی در ارتقاء تنوع زیستی کشاورزی، بیان داشتند که سن متغیری تأثیرگذار بر افزایش دانش، نگرش و مهارت کشاورزان در خصوص تنوع زیستی کشاورزی می‌باشد؛ به طوری که کشاورزان مسن (۵۰ ساله یا بیش‌تر) بیش از کشاورزان جوان (۳۰ ساله یا کمتر)، محصولات متنوع‌تری را کشت می‌نمودند. مشابه این نتیجه نیز در مطالعه‌ی ایسارتیر و همکاران^۵ (۲۰۱۱)، دیده می‌شود که با افزایش سن مردان و زنان کشاورز، تنوع محصولات کشت شده در خانه‌باغ‌ها^۶ و مزارع آن‌ها، بیش‌تر مشاهده می‌شد. نتایج پژوهش میرونگا^۷ (۲۰۰۵)، در بررسی تأثیر فعالیت‌های کشاورزی بر تالاب‌های منطقه‌ی کیسی^۸ در کنیا، نشان داد که اکثر کشاورزان در خصوص تأثیر فعالیت‌های کشاورزی بر تالاب‌ها، دارای دانش کم و نگرش منفی بودند. بنابراین میرونگا پیشنهاد داد که دولت باید برنامه‌های آموزشی را برای تمامی کاربران تالاب‌ها، اجرا کند تا آگاهی و نگرش آن‌ها نسبت به اثرات فعالیت‌های کشاورزی بر بوم‌سازگان تالاب‌ها، بیش‌تر نماید و در نهایت بتواند رفتارهای مخرب خود را تغییر دهند. ساداتی و همکاران (۲۰۱۰) در بررسی عوامل مؤثر بر نگرش کشاورزان در خصوص کشاورزی ارگانیک، شرکت در دوره‌های آموزشی و ترویجی، و سطح تحصیلات را مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر نگرش کشاورزان نشان دادند.

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از نوع توصیفی- همبستگی است. برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از روش پیمایش میدانی استفاده شد. جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل کلیه‌ی خانوارهای روستایی ساکن در بخش مرکزی و دهستان خانفاره از شهر شادگان در استان خوزستان با ۹۵۰ خانوار روستایی بوده است (N=۹۵۰). روستاهای منتخب که خانوارهای روستایی ساکن

1- Oakley & Momsent
2- Madebwe et al.
3- Abdelali-Martini et al.
4- Padmanabhan
5- Eyssartier et al.
6- Home Gardens
7- Mironga
8- Kissi

در آن‌ها، جامعه‌ی آماری پژوهش را تشکیل می‌دادند، شامل: «خروسی‌شمالی، خروسی جنوبی، شاوردی، فیه‌شاوردی، قریه‌شاوردی، سالمی، عبودی، منصوری، ناصری، گرمه‌خروسی، گیداری، حدبه خروسی و البوجنام» بوده که بیشترین اثرگذاری و اثرپذیری را بر تغییرات تنوع زیستی تالاب شادگان و کشاورزی حوزه‌ی آن دارند و به همین دلیل این روستاها انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، "طبقه‌ای با انتساب متناسب" بوده است. بدین صورت که متناسب با حجم جامعه‌ی آماری (۹۵۰ خانوار) و حجم نمونه (۲۷۳) با استفاده از جدول کرجسی و مورگان^۱، تعداد خانوار در هر روستا به‌طور طبقه‌ای مشخص گردید، که نرخ بازگشت پرسشنامه‌ها و تعداد پرسشنامه‌های قابل تجزیه و تحلیل ۲۷۳ پرسشنامه به‌دست آمد (n=۲۷۳). پرسشنامه‌ی طراحی شده به‌عنوان ابزار این تحقیق، شامل چهار بخش بود: بخش اول، به مشخصات فردی و حرفه‌ای پاسخگویان اختصاص داشت. در دو بخش بعدی وضعیت نگرش (۳۴ گویه) و دانش (۳۵ گویه)، نمونه‌ی مورد مطالعه مورد بررسی قرار گرفت. متغیر وابسته در این تحقیق، وضعیت «نگرش» خانوارهای روستایی در خصوص تنوع زیستی کشاورزی، و متغیرهای مستقل شامل: "دانش" خانوارهای روستایی در خصوص تنوع زیستی کشاورزی و نیز "ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای کشاورزان" (سن، جنسیت، میزان تحصیلات، تعداد اعضای خانوار، سابقه‌ی فعالیت کشاورزی، سابقه‌ی سکونت در منطقه، سابقه‌ی بهره‌برداری از تالاب، میزان اراضی، استفاده از بیمه‌ی محصولات، تعداد شرکت در دوره‌های ترویجی و آموزشی) بوده است. جهت بررسی روایی صوری پرسشنامه‌ی محقق‌ساخت و صحت و سقم گویه‌های آن، از نظرات و پیشنهادهای برخی از اعضای هیئت علمی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان استفاده گردید. به‌منظور تأیید پایایی پرسشنامه نیز قبل از ورود به مرحله‌ی جمع‌آوری اطلاعات در مقیاس وسیع، از یک مطالعه‌ی پیش‌آهنگ ۳۰ پرسشنامه‌ای که در بین خانوارهای روستایی ساکن در دهستان خنافره و خارج از نمونه‌ی اصلی مطالعه توزیع گردید، استفاده شد و نتایج ضریب آلفای کرونباخ^۲ برای گویه‌های نگرش (۰/۸۳) و برای گویه‌های دانش (۰/۸۷) به‌دست آمد. به‌منظور تعیین عوامل مؤثر بر نگرش خانوارهای روستایی از آزمون تحلیل تشخیصی استفاده شد. لازم به ذکر است جهت توصیف پراکندگی نگرش پاسخگویان از فرمول^۳ ISDM استفاده شد و نحوه‌ی تبدیل امتیازات کسب شده به چهار سطوح، بدین شرح برآورده گردید:

$$A = \text{نگرش منفی} \quad A < \text{Mean} - Sd \quad C = \text{نگرش نسبتاً مثبت} \quad \text{Mean} \leq C < \text{Mean} + Sd$$

$$B = \text{نگرش نسبتاً منفی} \quad \text{Mean} - Sd \leq B < \text{Mean} \quad D = \text{نگرش مثبت} \quad \text{Mean} + Sd \leq D$$

نتایج و بحث

ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان

مطابق نتایج به‌دست آمده، اکثر پاسخگویان، مذکر بوده، بین ۲۵-۴۰ سال سن داشتند و تحصیلات آنان تا زیردیپلم

1- Krejcie & Morgan

2- Cronbach's Alpha

3- Interval of Standard Deviation from the Mean

بوده است. غالباً دارای دانش نسبتاً کمی در خصوص به تنوع زیستی کشاورزی بودند. اکثر خانوارها شامل ۸-۴ نفر بودند و اکثریت بین ۲۳-۷ سال سابقه‌ی فعالیت کشاورزی داشتند. همچنین غالباً بین ۷-۱ هکتار دارای اراضی کشاورزی سنتی بودند. اکثر آنان نیز در پیشه‌ی خود از خدمات بیمه‌ای استفاده ننموده بودند. اکثریت خانوارها بین ۳۲-۱۲ سال سابقه‌ی سکونت در منطقه داشته، و بین ۲۸-۸ سال سابقه‌ی بهره‌برداری از تالاب داشتند. همچنین اکثر خانوارها بین ۸-۲ دوره‌ی ترویجی و آموزشی برگزار شده‌ی مرتبط با مدیریت تنوع زیستی کشاورزی شرکت داشته بودند (جدول ۱).

نگرش پاسخگویان در خصوص تنوع زیستی کشاورزی

به منظور ارزیابی کیفی نگرش خانوارهای روستایی در خصوص تنوع زیستی کشاورزی، با استفاده از فرمول ISDM، متغیر نگرش به چهار سطح تقسیم گردید. با توجه به نتایج حاصله، بیش از نیمی از کشاورزان (۵۹/۴ درصد)، دارای نگرش منفی و نسبتاً منفی نسبت به تنوع زیستی کشاورزی می‌باشند؛ در حالی که ۱۱۱ نفر دیگر (۴۰/۶ درصد) از پاسخگویان، در این زمینه دارای نگرش مثبت و نسبتاً مثبتی بوده‌اند (جدول ۲).

مطابق یافته‌های حاصل از اولویت‌بندی گویه‌های نگرشی پاسخگویان در خصوص تنوع زیستی کشاورزی، پاسخگویان به ترتیب به گویه‌های «در حفظ تنوع زیستی کشاورزی، کشاورزان، دامداران و ماهیگیران نقش مهمی دارند»، «ترجیح می‌دهم در کنار فعالیت‌های زراعی به نگهداری انواع مختلف دام، ماهی و پرندگان نیز بپردازم» و «ورود پساب‌های صنعتی و کشاورزی به تالاب مساوی است با مرگ تدریجی تالاب و روستاهای اطراف آن» بیشترین امتیاز (میانگین رتبه‌ای) را داده بودند. همچنین گویه‌های «تنوع زیستی کشاورزی یک موهبت الهی است و نابودشدنی نیست»، «ترجیح می‌دهم به شکل تجاری و به صورت تک‌کشتی کشاورزی کنم نه به شکل سنتی تا درآمد بیشتری داشته باشم» و «به نظرم ما کشاورزان تنها باید به کشت محصولاتی بپردازیم که برایمان از نظر اقتصادی سودآور باشند» کمترین امتیاز را مطابق دیدگاه پاسخگویان به دست آوردند. در واقع خانوارهای روستایی در مورد نقش و مسئولیت خود به‌عنوان کشاورز، دامدار و یا ماهیگیر که ارتباط مستقیمی با تالاب و تنوع زیستی کشاورزی حوزه‌ی آن دارند، در زمینه‌ی حفظ و مدیریت این منابع در مقابل انواع آلودگی‌ها از جمله ورود پساب‌های آلوده به درون آب تالاب، دارای نگرش مثبتی بوده‌اند. علاوه بر این نسبت به کشاورزی توأم نگرش مثبتی دارند که این امر در زمینه‌ی مدیریت تنوع زیستی کشاورزی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. همچنین از حداکثر میانگین رتبه‌ای گویه‌های نگرشی که پنج بوده، اکثر میانگین مربوط به گویه‌های آن، حدود سه و دو شده‌اند، که نشان‌دهنده‌ی نسبتاً منفی بودن نگرش خانوارهای روستایی در خصوص تنوع زیستی کشاورزی بوده است (جدول ۳).

جدول ۱- توزیع فراوانی متغیرهای مستقل مطالعه (n=۲۷۳)

متغیر	گروه	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
	کم	۳۳	۱۲/۱	۱۲/۱
دانش در خصوص	نسبتاً کم	۱۲۶	۴۶/۲	۵۸/۲
تنوع زیستی کشاورزی	نسبتاً زیاد	۷۵	۲۷/۵	۸۵/۷
	زیاد	۳۹	۱۴/۳	۱۰۰
میانگین: ۱۲۱/۲۵۶	انحراف معیار: ۱۴/۴۷۸	ماکزیمم: ۱۷۵	مینیمم: ۸۸	
	کمتر از ۲۵	۲۰	۷/۳	۷/۳
سن (سال)	بین ۲۵-۴۰	۱۵۴	۵۶/۴	۶۳/۷
	بالاتر از ۴۰	۹۹	۳۶/۳	۱۰۰
میانگین: ۳۸/۲۷۱	انحراف معیار: ۹/۶۶۶	ماکزیمم: ۷۵	مینیمم: ۱۷	
جنسیت	مرد	۲۴۹	۹۱/۲	۹۱/۲
مد: مرد	زن	۲۴	۸/۸	۱۰۰
سطح تحصیلات	بی سواد	۱۶	۵/۹	۵/۹
	زیر دیپلم	۱۴۳	۵۲/۴	۵۸/۲
	دیپلم	۶۲	۲۲/۷	۸۱
مد: زیر دیپلم	بالاتر از دیپلم	۵۲	۱۹	۱۰۰
	کمتر از ۴	۵۸	۲۱/۲	۲۱/۲
تعداد اعضای خانوار (نفر)	بین ۴-۸	۱۵۷	۵۷/۵	۷۸/۷
	بیشتر از ۸	۵۷	۲۰/۹	۹۹/۶
میانگین: ۶/۶۸	انحراف معیار: ۲/۶۸	Missing: ۰/۴ درصد	ماکزیمم: ۲۰	مینیمم: ۲
سابقه‌ی فعالیت	کمتر از ۷	۵۰	۱۸/۳	۱۸/۳
کشاورزی (سال)	بین ۷-۲۳	۱۸۷	۶۸/۵	۸۶/۸
	بیشتر از ۲۳	۳۵	۱۲/۸	۹۹/۶
میانگین: ۱۵/۴۸	انحراف معیار: ۸/۰۶	Missing: ۰/۴ درصد	ماکزیمم: ۵۰	مینیمم: ۱

ادامه جدول ۱

متغیر	گروه	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
	کمتر از ۱۲	۴۷	۱۷/۳	۱۷/۳
سابقه‌ی سکونت در منطقه (سال)	بین ۱۲-۳۲	۱۸۳	۶۷	۸۴/۳
	بیشتر از ۳۲	۴۱	۱۵	۹۹/۳
میانگین: ۲۲/۱۲	انحراف معیار: ۱۰/۷۲	Missing: ۰/۷ درصد	ماکزیمم: ۶۱	مینیمم: ۳
	کمتر از ۸	۴۴	۱۶/۱	۱۶/۱
سابقه‌ی بهره‌برداری از تالاب (سال)	بین ۸-۲۸	۱۷۸	۶۵/۲	۸۱/۳
	بیشتر از ۲۸	۴۴	۱۶/۱	۹۷/۴
میانگین: ۱۸/۳۸	انحراف معیار: ۱۰/۶۱	Missing: ۲/۶ درصد	ماکزیمم: ۶۱	مینیمم: ۲
	کمتر از ۱	۲۸	۱۰/۳	۱۰/۳
میزان کل اراضی (هکتار)	بین ۱-۷	۲۱۷	۷۹/۵	۸۹/۸
	بیشتر از ۷	۲۶	۹/۵	۹۹/۳
میانگین: ۴/۱۵	انحراف معیار: ۳/۷۲	Missing: ۰/۷ درصد	ماکزیمم: ۳۸	مینیمم: ۱
استفاده از بیمه‌ی محصولات کشاورزی	بلی	۱۹۸	۷۲/۵	۷۲/۵
مد: بلی	خیر	۷۵	۲۷/۵	۱۰۰
	کمتر از ۲	۴۵	۱۶/۵	۱۶/۵
تعداد شرکت در دوره‌های ترویجی و آموزشی	بین ۲-۸	۱۸۰	۶۵/۹	۸۰/۴
	بیشتر از ۸	۴۸	۱۷/۶	۱۰۰
میانگین: ۵/۲۷۱	انحراف معیار: ۳/۹۰۹	Missing: ۰/۰ درصد	ماکزیمم: ۱۹	مینیمم: ۰

جدول ۲- طبقه‌بندی نگرش پاسخگویان در خصوص تنوع زیستی کشاورزی (n=۲۷۳)

سطح نگرش	فراوانی	درصد فراوانی
منفی	۲۸	۱۰/۳
نسبتاً منفی	۱۳۴	۴۹/۱
نسبتاً مثبت	۵۹	۲۱/۶
مثبت	۵۲	۱۹
جمع	۲۷۳	۱۰۰
بیشینه: ۱۷۰		میانگین: ۱۰۸/۹۴
کمینه: ۸۱		انحراف معیار: ۱۳/۸۴۴

بررسی همبستگی بین متغیرهای مستقل پژوهش با نگرش پاسخگویان در خصوص تنوع زیستی کشاورزی

بر اساس نتایج حاصل از آزمون‌های همبستگی، بین متغیرهای «تعداد اعضای خانوار» با «نگرش» خانوارهای روستایی در خصوص تنوع زیستی کشاورزی، همبستگی منفی و معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. به این معنی خانواده‌های روستایی کم‌جمعیت‌تر، نگرش مثبت‌تری در این خصوص داشته‌اند (جدول ۴).

جدول ۳- اولویت‌بندی گویه‌های نگرش نمونه‌ی مورد مطالعه در خصوص تنوع زیستی (n=۲۷۳)

اولویت	میانگین رتبه‌ای*	نگرش کشاورزان در خصوص تنوع زیستی کشاورزی
۱	۴/۲۹۶	در حفظ تنوع زیستی کشاورزی، کشاورزان، دامداران و ماهیگیران نقش مهمی دارند
۲	۳/۸۰۵	ترجیح می‌دهم در کنار فعالیت‌های زراعی به نگهداری انواع مختلف دام، ماهی و پرندگان نیز بپردازم
۳	۳/۷۷۲	ورود پساب‌های صنعتی و کشاورزی به تالاب مساوی است با مرگ تدریجی تالاب و روستاهای اطراف آن
۴	۳/۷۱۴	تالاب شادگان باید حفظ شود چون منطقه‌ی ما را با نام تالاب شادگان می‌شناسند
۵	۳/۶۹۶	به نظر من، انسان با پرورش تعداد کمی از گونه‌های گیاهی و جانوری، بر رشد گونه‌های وحشی تأثیر نهاده است
۶	۳/۶۹۲	به نظر من، کم شخم زدن زمین، مالچ‌پاشی در مزارع و تهیه‌ی کود سبز، نقش مهمی در حفظ کرم‌های خاکی دارد
۷	۳/۶۶۳	تجربه نشان داده رعایت نکردن کشت دوم در درازمدت، تولید محصول را کاهش و حاصلخیزی خاک را نابود می‌کند
۸	۳/۶۴۴	به نظر من کشاورزی بدون استفاده از سموم شیمیایی، راه‌حلی مناسب برای حفظ تنوع زیستی کشاورزی است
۹	۳/۶۰۴	به نظرم پوشش گیاهی تالاب برای تولید صنایع دستی و دارویی می‌تواند منبع اشتغال‌زایی مهمی در منطقه باشد
۱۰	۳/۵۸۹	به نظر من بهتر است درختان مسن قطع شوند ولی حتماً به جای آن‌ها، نهال‌های جدیدی کاشته شود
۱۱	۳/۵۷۵	معتقدم از طریق آگاه‌سازی و دخالت جوامع محلی می‌توان از تالاب محافظت نمود
۱۲	۳/۵۱۶	تنها نباید همه‌ی تالاب را به پرورش ماهی و میگو اختصاص دهیم؛ بلکه باید به حفظ سایر گیاهان و جانوران آبی توجه کنیم
۱۳	۳/۳۰۴	تجربه نشان داده که تحمل خسارت ناشی از تعداد کمی آفات، هزینه‌ی کمتری نسبت به استفاده از سموم شیمیایی دارد
۱۳	۳/۳۰۴	تالاب بخشی از زندگی من است چون تنها منبع درآمد من می‌باشد
۱۳	۳/۲۳۴	به نظرم تبدیل قسمتی از تالاب به زمین کشاورزی، می‌تواند به پیشرفت کشاورزی و افزایش درآمد کشاورزان کمک کند**
۱۴	۳/۱۶۸	مسلماً گونه‌های غیربومی هم مانند گونه‌های بومی در برابر بیماری‌ها و شرایط بد منطقه، مقاومت بالایی نشان می‌دهند**
۱۵	۳/۱۶۱	چون قیمت سموم شیمیایی ارزان است، ترجیح می‌دهم از آن‌ها استفاده کنم**
۱۶	۳/۱۳۱	ترجیح می‌دهم برای حاصلخیز شدن خاک، از کودهای شیمیایی استفاده کنم تا کود سبز**
۱۷	۳/۰۹۸	وجین کردن علف‌های هرز، خیلی پُر زحمت است؛ ترجیح می‌دهم با ریختن علف‌کش، همه‌ی آن‌ها را به یکباره نابود کنم**
۱۸	۳/۰۷۳	به نظر من زنبور عسل، حشره‌ای مفید برای تولید عسل است نه گرده‌افشانی؛ پس باید از دستگاه‌های گرده‌افشانی استفاده کرد**
۱۹	۳/۰۴۷	کشت چند نوع محصول، باعث گسترش بیشتر آفات و بیماری‌ها می‌شود؛ پس ترجیح می‌دهم تک محصول بکارم**
۲۰	۳/۰۳۶	نباید صید و شکار در تالاب ممنوع باشد و باید هر چقدر که می‌خواهیم از این نعمت خدادادی، بهره ببریم**
۲۱	۲/۹۴۵	بدون نظارت اداره‌ی حفظ نباتات و کشاورزی هم می‌توان سم‌پاشی نمود**
۲۲	۲/۹۱۵	به گمانم جیره‌های غذایی که دارای مواد مصنوعی‌اند، خطری برای دام‌ها، طیور و ماهیان محسوب نمی‌شوند**
۲۳	۲/۸۴۹	به نظر من استفاده از سموم برای نابودی آفات مؤثرتر از رهاسازی کفشدوزک‌ها در مزرعه است**
۲۴	۲/۸۴۶	به نظر من بهتر است برخی اراضی مرتعی را به اراضی دیم تبدیل کرد تا درآمد بیشتری نصیب خانوارهای کشاورز گردد**
۲۵	۲/۸۲۷	به نظر من با دیدن اولین علائم حضور آفت در مزرعه باید سم‌پاشی شروع شود**
۲۶	۲/۸۲۴	ترجیح می‌دهم ضایعات گیاهی و دامی را بسوزانم تا باعث آلودگی زمینم نشود**
۲۷	۲/۷۹۴	برای پیشگیری از بیمار شدن محصولات، باید آن‌ها را سم‌پاشی کرد**
۲۸	۲/۶۹۹	حضور علف‌های هرز در حاشیه‌ی مزرعه به دلیل رقابت با گیاهان بر سر آب و غذا، غیرقابل تحمل است**
۲۹	۲/۵۷۵	به نظرم باید همه‌ی گونه‌های گیاهی و جانوری، اصلاح نژاد شوند تا کیفیت آن‌ها بالاتر رود**
۲۹	۲/۵۷۵	تنوع زیستی کشاورزی یک موهبت الهی است و نابودشدنی نیست**
۳۰	۲/۵۵۶	ترجیح می‌دهم به شکل تجاری و به‌صورت تک کشتی کشاورزی کنم نه به شکل سنتی تا درآمد بیشتری داشته باشم**
۳۱	۲/۴۰۲	به نظرم ما کشاورزان تنها باید به کشت محصولاتی بپردازیم که برایمان از نظر اقتصادی سودآور باشند**

گویه‌های منفی: ** طیف معکوس

گویه‌های مثبت: * ۱: کاملاً مخالف، ۲: مخالف، ۳: بی‌نظر، ۴: موافق، ۵: کاملاً موافق

جدول ۴- همبستگی متغیرهای مستقل پژوهش با نگرش پاسخگویان در خصوص تنوع زیستی کشاورزی (n=۲۷۳)

متغیرهای مستقل	نوع ضریب همبستگی	مقدار ضریب همبستگی (r)
دانش	پیرسون	۰/۷۶۴**
سن	پیرسون	۰/۰۳۰
تعداد اعضای خانوار	پیرسون	-۰/۲۱۱**
سابقه‌ی فعالیت کشاورزی	پیرسون	-۰/۰۴۷
سابقه‌ی سکونت در منطقه	پیرسون	۰/۱۸۱**
سابقه‌ی بهره‌برداری از تالاب	پیرسون	-۰/۱۲۱*
متوسط اراضی	پیرسون	۰/۰۸۴
تعداد شرکت در دوره‌های ترویجی و آموزشی	پیرسون	۰/۰۹۴

*: معنی‌داری با اطمینان ۹۵ درصد
 **: معنی‌داری با اطمینان ۹۹ درصد

همچنین متغیرهای «دانش» و «سابقه‌ی سکونت در منطقه» در سطح اطمینان ۹۹ درصد، و نیز متغیر «سابقه‌ی بهره‌برداری از تالاب» در سطح اطمینان ۹۵ درصد، با متغیر نگرش پاسخگویان در خصوص تنوع زیستی کشاورزی، همبستگی مثبت و معنی‌داری دارند. بدین معنی که افرادی که دارای دانش بالایی در خصوص تنوع زیستی کشاورزی بوده‌اند، نگرش مثبت‌تری نیز در این خصوص داشته‌اند. همچنین هر چه سابقه‌ی سکونت خانوار روستایی در منطقه و نیز سابقه‌ی بهره‌برداری از تالاب، بیشتر باشد، آن خانوار از نگرش مثبت‌تری در خصوص تنوع زیستی کشاورزی برخوردار می‌باشد. اما بین سایر متغیرهایی که در جدول ۴ نشان داده شده، و نگرش پاسخگویان در خصوص تنوع زیستی کشاورزی، همبستگی معنی‌داری مشاهده نشده است (جدول ۴).

تأثیر ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان بر نگرش آن‌ها در خصوص زیستی کشاورزی

به‌منظور مقایسه‌ی دیدگاه نمونه‌ی مورد مطالعه با سطح تحصیلات مختلف از آزمون کروسکال‌والیس^۱ استفاده شد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که بین دیدگاه نمونه‌ی مورد مطالعه در خصوص زیستی کشاورزی با سطح تحصیلات گوناگون اختلاف آماری معنی‌داری مشاهده نشد (جدول ۵).

همچنین به‌منظور مقایسه‌ی دیدگاه زنان و مردان در خصوص زیستی کشاورزی از آزمون من‌وایت‌نی^۲ استفاده شد. نتایج حاصل نشان داد که بین نگرش زنان و مردان در خصوص زیستی کشاورزی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (جدول ۵).

جدول ۵- مقایسه میانگین نگرش نمونه‌ی مورد مطالعه در خصوص زیستی کشاورزی بر حسب سطح تحصیلات، و جنسیت (n=۲۷۳)

متغیر معیار	متغیر	سطوح متغیر	تعداد (n)	میانگین رتبه‌ای	آماره‌ی H	سطح معنی‌داری
نگرش	سطح تحصیلات	بی‌سواد	۱۶	۱۵۰/۲۵	۰/۹۳۲	۰/۸۱۸
		زیر دیپلم	۱۴۳	۱۳۷/۳۶		
		دیپلم	۶۲	۱۳۷/۰۴		
		بالای دیپلم	۵۲	۱۳۱/۸۸		
نگرش	جنسیت	زن	۲۴	۱۵۰/۲۵	۲۶۷۰/۰۰۰	۰/۳۱۱
		مرد	۲۴۹	۱۳۵/۷۲		

* : معنی‌داری با اطمینان ۹۵ درصد

** : معنی‌داری با اطمینان ۹۹ درصد

افزون بر این، جهت بررسی اختلاف نگرش پاسخگویان در خصوص زیستی کشاورزی در اثر استفاده از بیمه‌ی کشاورزی، از آزمون t استفاده شد. مطابق نتایج با اطمینان ۹۹ درصد بین میانگین متغیر نگرش پاسخگویان در خصوص زیستی کشاورزی با توجه به استفاده از بیمه‌ی محصولات کشاورزی، تفاوت آماری معنی‌داری مشاهده شد (جدول ۶).

جدول ۶- تفاوت نگرش پاسخگویان در خصوص تنوع زیستی کشاورزی در اثر استفاده از بیمه (n=۲۷۳)

متغیر معیار	متغیر	سطوح متغیر	تعداد (n)	میانگین رتبه‌ای	آماره‌ی t	سطح معنی‌داری
نگرش	استفاده از بیمه‌ی محصولات	بلی	۱۹۸	۱۱۷/۱۱۶	۴/۷۳۴**	۰/۰۰۰
		خیر	۷۵	۱۲۶/۷۶۰		
			*: معنی‌داری با اطمینان ۹۵ درصد			**: معنی‌داری با اطمینان ۹۹ درصد

شناسایی متغیرهای تأثیرگذار بر سطح نگرش خانوارهای روستایی در خصوص تنوع زیستی کشاورزی

به منظور شناسایی متغیرهای متمایزکننده‌ی خانوارهای روستایی مورد مطالعه به چهار سطح نگرش (منفی، نسبتاً منفی، نسبتاً مثبت، و مثبت) در خصوص تنوع زیستی کشاورزی، از الگوی تحلیل تشخیص استفاده شد. برای این منظور، ابتدا متغیر وابسته و متغیرهای مستقل کمی که با متغیر نگرش، همبستگی معنی‌دار داشتند (با استفاده از جدول ۴)، به صورت زیر ارائه شدند (جدول ۷).

جدول ۷- نتایج همبستگی متغیرهای مستقل کمی با متغیر نگرش در چهار گروه نگرشی در خصوص تنوع زیستی کشاورزی

متغیرهای مستقل کمی	مرکز ثقل داده‌ها
(X_1) دانش در خصوص تنوع زیستی کشاورزی	گروه ۱ (نگرش منفی) ۰/۵۶۶-
(X_2) سابقه‌ی سکونت در منطقه	گروه ۲ (نگرش نسبتاً منفی) ۰/۶۰۰-
(X_3) تعداد اعضای خانوار	گروه ۳ (نگرش مثبت) ۰/۲۹۱
(X_4) سابقه‌ی بهره‌برداری از تالاب	گروه ۴ (نگرش نسبتاً مثبت) ۱/۷۹۰

آماره‌های مربوط به برآورد تابع تشخیصی:

مقدار ویژه: ۰/۸۲۴	λ : ۰/۵۴۸
همبستگی متعارف: ۰/۶۷۲	χ^2 : ۱۵۶/۵۷۵
سطح معنی‌داری: ۰/۰۰۰	df: ۳
*: معنی‌داری با اطمینان ۹۵ درصد	** : معنی‌داری با اطمینان ۹۹ درصد

نتایج حاصل از الگوی تحلیل تشخیصی، نشان می‌دهد که برای دو سطح از متغیر وابسته‌ی نگرش، یک تابع تشخیصی به دست آمده است. مقدار ویژه‌ی این تابع به روش رگرسیون گام به گام، ۰/۸۲۴ به دست آمد. همچنین

همبستگی متعارف، $0/672$ شده است. در واقع، به دلیل بالا بودن مقدار ویژه و همبستگی متعارف، صحت طبقه‌بندی، بالا و تابع حاصله، قوی می‌باشد. مقدار لمبدای ویلکس به‌دست آمده نیز $0/548$ شده است که نشان‌دهنده‌ی برابری بسیار کم میانگین چهار گروه نگرشی و تفاوت بسیار زیاد بین آن‌ها است. مقدار مربع کای نیز $156/575$ شده که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، معنی‌داری است. به این معنی که قدرت تشخیص تابع حاصله، با توجه به مقدار بسیار بالای مربع کای، بسیار خوب می‌باشد (جدول ۷). با توجه به نتایج به‌دست آمده، نگرش پاسخگویان در خصوص تنوع زیستی کشاورزی، بیش از هر چیزی تحت تأثیر دانش آن‌ها در این خصوص می‌باشد. همچنین با استفاده از ضرایب غیراستاندارد و عدد ثابت تابع تشخیص، معادله‌ی تابع تشخیصی زیر به‌دست آمد (تابع ۱):

$$D = y' = -11/252 + 0/548x_1 \quad (1)$$

(دانش در خصوص تنوع زیستی کشاورزی) که در آن D و x_1 بیانگر متغییر نگرش می‌باشد

نتیجه‌گیری

هدف کلی تحقیق حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر نگرش خانوارهای روستایی در خصوص تنوع زیستی کشاورزی بوده است که مطابق نتایج به‌دست آمده، بیش از نیمی از کشاورزان ($49/1$ درصد)، دارای نگرش نسبتاً منفی نسبت به تنوع زیستی کشاورزی بودند. نتایج اولویت‌بندی گویه‌های نگرشی نیز نشان می‌دهد خانوارهای روستایی به چنین نگرش مثبتی دست یافتند که هر کدام از آن‌ها در نقش‌های مختلفی همچون کشاورز، دامدار، شکارچی یا صیاد، نسبت به حفظ و مدیریت تنوع زیستی تالاب و کشاورزی اطراف آن، نقش مهمی داشته و مسئول می‌باشند؛ چرا که با آلوده شده تالاب از جمله با ورود انواع پساب‌ها به درون آن، نتیجه‌ای جز مرگ تالاب و نابودی معیشت بهره‌برداران حوزه‌ی آن به دنبال نخواهد داشت. همچنین پاسخگویان با مثبت دانستن کشاورزی توأم، می‌توانند کمک شایانی در حفظ و گسترش انواع گونه‌های گیاهی و جانوری بومی منطقه‌ی خود داشته باشند. در مجموع با توجه به غالب میانگین‌های رتبه‌ای گویه‌های نگرشی که از میزان حداکثر عدد پنج، میانگین‌های سه و دو به‌دست آمده بود، می‌توان نسبتاً منفی بودن سطح نگرش اکثریت خانوارهای روستایی مورد مطالعه در خصوص تنوع زیستی کشاورزی را نتیجه گرفت. این نگرش نسبتاً منفی شاید به دلیل پایین بودن سطح دانش و آگاهی آن‌ها نسبت به تنوع زیستی کشاورزی باشد؛ کما این که مطابق جدول ۱ اکثریت ($46/2$ درصد) در این خصوص دارای دانش نسبتاً کمی بودند. بنابراین می‌توان این امر را ناشی از ضعف ترویج و آموزش کشاورزی منطقه دانست. بر طبق نتایج آزمون‌های همبستگی نیز خانواری که سابقه‌ی سکونت بیشتری در منطقه داشته، از تنوع زیستی کشاورزی و حتی تنوع زیستی تالاب که در گذشته نسبت به شرایط حاضر غنی‌تر بوده است، اطلاعات بیشتری دارد و در نتیجه از نگرش مثبت‌تری در این خصوص برخوردار بوده است. مطابق دیگر نتایج، نگرش پاسخگویان ارتباط معنی‌داری با سن آن‌ها نداشته است؛ این امر با نتیجه‌ی مطالعه‌ی نعیمی و همکاران (1388) مطابقت، ولی با نتایج مطالعه‌ی شاهرودی و همکاران (1388)، و مادبو و همکاران (2005) مغایرت دارد. افزون بر این، نگرش پاسخگویان به‌طور معنی‌داری تحت تأثیر جنسیت آن‌ها قرار نگرفته است. این نتیجه نیز با نتایج مطالعات اُکلی و مُسنت (2005)، مادبو و

همکاران (۲۰۰۵)، عبدلالی و همکاران (۲۰۰۸)، پادماناب‌هان (۲۰۱۱)، و ایسارتیر و همکاران (۲۰۱۱) مغایرت دارد. همچنین تمامی افراد، صرف‌نظر از میزان تحصیلات آن‌ها، از نگرش یکسانی در خصوص تنوع زیستی کشاورزی برخوردار بوده‌اند. به عبارت دیگر نظام آموزشی منطقه، نتوانسته در نگرش افراد باسواد نسبت به منابع طبیعی، در مقایسه با افراد بی‌سواد، تفاوت معنی‌داری ایجاد نماید. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های شاهرودی و همکاران (۱۳۸۸)، و ساداتی و همکاران (۲۰۱۰) مغایرت دارد. در همین راستا، رابطه‌ی معنی‌داری بین نگرش و تعداد شرکت در دوره‌های ترویجی و آموزشی مرتبط با تنوع زیستی کشاورزی مشاهده نشد. این امر با نتایج تحقیق نعیمی و همکاران (۱۳۸۸)، و قدیمی و همکاران (۱۳۹۱) مطابقت، ولی با نتایج مطالعه‌ی سمیعی (۱۳۸۸)، و ساداتی و همکاران (۲۰۱۰) مغایرت دارد. بنابر این دو یافته می‌توان ضعف نظام آموزشی و عدم توجه مؤثر آن به محیط زیست و کشاورزی را در منطقه‌ی مورد مطالعه نتیجه گرفت. مطابق نتایج حاصل از آزمون t نیز میانگین نگرش پاسخگویانی که از بیمه‌ی محصولات استفاده نکردند، نسبت به کشاورزانی که استفاده نموده بودند، بیشتر بوده است. این بدان معنی می‌باشد که خانوارهای روستایی که نگرش مثبت‌تری در خصوص تنوع زیستی کشاورزی داشته‌اند، این تنوع را نوعی بیمه برای زندگی خود می‌دانند. این امر با نتیجه‌ی تحقیق شاهرودی و همکاران (۱۳۸۸) مغایرت دارد. کشاورزان با کشت انواع مختلف گیاهان و درختان و نیز پرورش حیوانات مختلف، بدون نیاز به بیمه‌ی محصولات کشاورزی و پرداخت هزینه‌های آن، می‌توانند به‌طور طبیعی، محصولات خود را در مقابل عوامل تهدیدکننده‌ی تنوع زیستی کشاورزی از جمله حمله‌ی آفات و شیوع بیماری‌ها، بیمه نمایند. در واقع تنوع موجود در محصولات تولیدی آن‌ها، می‌تواند خسارات احتمالی وارد شده به یک یا تعداد کمی از محصولات را جبران نماید. البته این طرز تفکر ریشه در کشاورزی سنتی و دانش بومی مرتبط به آن دارد که می‌تواند امنیت غذایی، معیشتی و درآمدی خانوارهای روستایی را تضمین نمایند. همچنین بین میانگین دانش و نگرش پاسخگویان در خصوص تنوع زیستی کشاورزی، با سطح اطمینان ۹۹ درصد، تفاوت آماری معنی‌داری مشاهده شد. بنابر این کشاورزانی که دانش بالاتری در این خصوص تنوع زیستی کشاورزی داشتند، از نگرش مثبت‌تری نیز برخوردار بوده‌اند. همچنین از آن‌جا که اکثر پاسخگویان دارای دانش نسبتاً کم و نگرشی نسبتاً منفی در خصوص تنوع زیستی کشاورزی بوده‌اند؛ بنابراین بخش ترویج و آموزش کشاورزی منطقه را می‌توان در این خصوص، ضعیف و ناکارآمد تلقی نمود. نتایج تحلیل تشخیصی نیز نشان داد از بین متغیرهای مستقل برای نگرش، متغیر دانش با ضریب رگرسیون $0/548$ ، بیشترین تأثیر را بر نگرش افراد نسبت به تنوع زیستی کشاورزی داشته است؛ به طوری که با افزایش دانش افراد، نگرش آن‌ها نیز در این خصوص مثبت‌تر می‌گردد. این نتیجه با نتیجه‌ی تحقیق اتحادی و همکاران (۱۳۹۰) مطابقت دارد. با توجه به نتایج به‌دست آمده، پیشنهادهای ذیل در بهبود نگرش خانوارهای روستایی خصوص تنوع زیستی کشاورزی ارائه می‌شود:

۱- از آن‌جا که اکثریت خانوارهای مورد مطالعه دارای دانش نسبتاً کم و نگرشی نسبتاً منفی در خصوص تنوع زیستی کشاورزی بودند، پیشنهاد می‌شود به‌منظور بهبود سطح دانش و نگرش این افراد در خصوص اهمیت تنوع زیستی تالاب و کشاورزی حوزه‌ی آن، محتوای دوره‌های ترویجی و آموزشی در بخش خنافره، کاربردی‌تر، مطابق با نیازهای آموزشی آن‌ها، و قابل اجرا در منطقه باشد. به‌علاوه مسئولان و دست‌اندرکاران امر آموزش و ترویج در منطقه، مشروط به

استفاده از مروجین باتجربه و بومی جهت برگزاری و تدریس این دوره‌ها، می‌تواند با اهمیت قائل شدن به نظرات و دیدگاه‌های کشاورزان (صرف نظر از جنسیت و رده‌ی سنی آنان) و مشارکت آن‌ها در طراحی و برنامه‌ریزی دوره‌های ترویجی و آموزشی، قرار دادن مشوق‌هایی برای ترغیب بیشتر آنان جهت شرکت در دوره‌ها (مانند شناسایی خانوار تولیدکننده‌ی نمونه، انتخاب مزرعه‌ی نمونه، دادن کود و بذر رایگان، توزیع جوایز برای مسابقات ترویجی در طول دوره‌ها و از این قبیل)، زمینه‌ی مشارکت و حضور حداکثری خانوارهای روستایی در این دوره‌ها را فراهم آورند.

۲- همچنین در راستای مورد فوق، پیشنهاد می‌گردد بخش ترویج و آموزش کشاورزی منطقه با همکاری سازمان‌های متولی و بهره‌بردار از تالاب، و نیز تشکل‌های مردم‌نهاد (NGOهای) فعال محلی موجود در منطقه، در زمینه‌ی روشن نمودن حساسیت تنوع زیستی تالاب و کشاورزی حوزه‌ی آن برای بومیان، و اثرات رفتارهای آن‌ها بر این منابع، و نیز لزوم مشارکت آنان در حفاظت و مدیریت تنوع زیستی منطقه، برنامه‌های آموزشی مناسب و ساده‌تری از طریق چاپ و انتشار پوستر، بروشور، کتابچه، تهیه‌ی فیلم و برگزاری کارگاه و نمایشگاه‌های مختلف برای خانوارهای محلی ساکن در منطقه، تدوین و ارائه نمایند، تا همه‌ی اعضای خانوارها (بدون تأکید بر جمعیت خانوار و میزان سواد آن‌ها) در معرض آگاهی‌رسانی و آموزش قرار بگیرند. همچنین کارشناسان و مروجان کشاورزی به‌طور مستمر با خانوارهای محلی در ارتباط باشند و از طریق برگزاری جلسات و تماس مستقیم با ساکنین، بتوانند در ارتقاء دانش و نگرش آن‌ها نسبت به حفظ منابع طبیعی منطقه، نقش مؤثری ایفا نمایند.

۳- مطابق نتایج، کشاورزانی که از بیمه‌ی محصولات استفاده نکرده بودند، نگرش مثبت‌تری نسبت به تنوع زیستی کشاورزی داشتند. در واقع، تنوع زیستی کشاورزی نوعی بیمه‌ی طبیعی برای کشاورزان در برابر آسیب‌ها و بلایای بد و ناگوار محسوب می‌گردد. اما شاید کشاورزانی که از بیمه استفاده کرده بودند، به بیمه نمودن خود به‌طور طبیعی از طریق حفظ تنوع زیستی کشاورزی آگاه نبوده‌اند که می‌توان این امر را ناشی از پایین بودن سطح دانش آن‌ها در این خصوص دانست؛ لذا بهتر است به‌منظور بهبود نگرش خانوارهای روستایی جهت افزایش مشارکت در حفظ و مدیریت تنوع زیستی کشاورزی، علاوه بر تشکیل کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی، از تولید فیلم‌ها و مستندهایی در زمینه‌ی بیمه نمودن محصولات خود از طریق افزایش تنوع زیستی کشاورزی (مانند کاشت ارقام مقاوم در شرایط خشکسالی و هجوم ریزگردها مخصوصاً طی سالیان اخیر) استفاده نمود تا به نوعی فرهنگ‌سازی در این خصوص صورت پذیرد.

۴- بر اساس نتایج حاصل از تحلیل تشخیصی، متغیر دانش به‌تنهایی توانسته حدود ۵۵ درصد از تغییرات نگرش را تبیین نماید. این امر بر حیاتی بودن نقش ترویج و آموزش کشاورزی در ارتقاء و بهبود سطح دانش و نگرش خانوارهای محلی در خصوص تنوع زیستی کشاورزی در منطقه اشاره دارد که در ابتدای پیشنهادها بر آن تأکید شده است. بنابراین توصیه می‌شود بخش ترویج و آموزش کشاورزی منطقه، با اصلاح نمودن محتوای برنامه‌های خود در خصوص مدیریت تنوع زیستی تالاب بین‌المللی شادگان و کشاورزی حوزه‌ی آن، ارتباط میان‌بخشی مؤثری با دیگر متولیان تالاب در منطقه (از جمله سازمان حفاظت محیط زیست، آب و برق، منابع طبیعی، اداره کل فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و دیگر سازمان‌ها)، به‌منظور ایجاد هماهنگی در اقدامات و فعالیت‌های خود در راستای مدیریت تنوع زیستی کشاورزی برقرار نماید.

منابع

- اتحادی، م.، روستا، ک. و قلی‌نیا، م.ج. ۱۳۹۰. عوامل تأثیرگذار بر دانش، نگرش و مهارت شرکت‌کنندگان در رهیافت مدرسه‌مزرعه کشاورز نسبت به گسترش فناوری مدیریت تلفیقی آفات. مجله‌ی پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۴: ۲۸-۱۳.
- اسماعیلی، ف.، خلفه نیلساز، م.، سبزی‌زاده، س. و جهانی، ن. ۱۳۸۸. ارزیابی وضعیت اکولوژیک هور شادگان با استفاده از فون بتتیک. مجله‌ی بیولوژی دریا، ۲: ۸۱-۶۷.
- خواججه‌پور، م.، گلابکش، ش. و غیاثی خیاط، م. ۱۳۸۹. بررسی اهمیت تالاب بین‌المللی شادگان (ارزش‌ها، تهدیدها و روش‌های بهبود آن). مجموعه مقالات همایش ملی تالاب‌ها و نقش آن در مدیریت جامع منابع آب، شرکت مدیریت منابع آب، ۱۱ بهمن، تهران.
- سمیعی، الف. ۱۳۸۸. بررسی سازوکارهای توانمندسازی کشاورزان در حفاظت تنوع زیستی کشاورزی (مطالعه‌ی موردی شهرستان ساری، مازندران). پایان‌نامه دوره‌ی کارشناسی‌ارشد، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی کرج.
- سنجری، م. و کشاورز مشکین‌فام، الف. ۱۳۸۸. تنوع زیستی حیوانات مزرعه. مجله‌ی اطلاعات علمی، ۱۱: ۴۵-۵۴.
- شاهرودی، ع.الف.، چیدری، م. و پزشکی‌راد، غ.ر. ۱۳۸۸. دانش، نگرش و مهارت کشاورزان چغندرکار استان خراسان رضوی در زمینه‌ی شیوه‌های مدیریت پایدار خاک زراعی. مجله‌ی دانش نوین کشاورزی، ۱۶: ۴۳-۵۳.
- عابدی، ز.، خسروی، ن.، سادات نظیری، م. و ظفری، ف. ۱۳۸۹. ارزش‌گذاری اقتصادی تالاب شادگان، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم تحقیقات، مرکز مطالعات و تحقیقات محیط زیست و انرژی (CEERS). مجموعه مقالات همایش طرح ملی ارزش اقتصادی منابع: ۱۰۵-۱۲۴.
- علیپور، ح.، فلاح، ر. و مقدس فریمانی، ش. ۱۳۸۷. دانش و گرایش محققان سازمان ترویج، آموزش و تحقیقات کشاورزی نسبت به کشاورزی پایدار. مجله‌ی پژوهش و سازندگی، ۸۱: ۱۱۰-۱۱۹.
- قدیمی، ع.ر.، شعبانعلی‌فمی، ح. و اسدی، ع. ۱۳۹۱. بررسی عوامل مؤثر بر نگرش کشاورزان نسبت به کشاورزی ارگانیک (مطالعه‌ی موردی: شهرستان فریدن). مجله‌ی پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۴: ۸۰-۶۹.
- مخدوم، م. ۱۳۸۴. اقتصاد اکولوژیکی تنوع زیستی. انتشارات دانشگاه تهران، تهران: ۱۷۵.
- نعمی، الف.، پزشکی‌راد، غ.ر. و قره‌یاضی، ب. ۱۳۸۸. بررسی نگرش متخصصان بیوتکنولوژی مراکز دانشگاهی استان تهران در مورد کاربرد گیاهان تراریخته. مجله‌ی علوم محیطی، ۲: ۱۵۴-۱۴۱.
- Abdelali-Martini, M., Amri, A., Ajlouni, M., Assi, R., Sbieh, Y. and Khnifes, A. 2008. Gender dimension in the conservation and sustainable use of agro-biodiversity in West Asia. *Journal of Socio-Economics*, 37: 365-383.
- Eyssartier, C., Ladio, A. H. and Lozada, M. 2011. Traditional horticultural knowledge change in a rural population of the Patagonian steppe. *Journal of Arid Environment*, 75: 78-86.
- Koziell, I. 2001. Sustaining Livelihoods with Biodiversity. *DFID (Department for International Development)*: 41. www.books.google.com, Visited: 2001.

-
-
- Madebwe, C., Madebwe, V. and Kabeta, J. 2005. The Role of Indigenous Knowledge Systems (IKs) in Agro-Biodiversity and Household Food Security in the Smallholder Agriculture Sector: The Case of Chipinge (Zimbabwe). *Journal of Social Sciences*, 3(6): 868-872.
- Malekmohammadi, I., Heidarian, N., Shbanali Fami, H. and Samiee, A. 2010. Gender Analysis of Factors Influencing Agro-Biodiversity Conservation in Dinvar, Kermanshah Province, Iran. *Journal of Sustainable Development*, 2: 22-33.
- Mironga, J. M. 2005. Effect of Farming Practices on Wetlands of Kisii District, Kenya. *Journal of Ecology and Environmental Research, Penkala Bt., Budapest, Hungary*, 3(2): 81-91.
- Oakley, E. and Henshall Momsent, J. 2005. Gender and agrobiodiversity: A case study from Bangladesh. *Journal of the Geographical*, 171 (3): 195–208.
- Padmanabhan, M. 2011. Women and Men as Conservers, Users and Managers of Agrobiodiversity a Feminist Social Ecological Approach. *Journal of Socio-Economics*, 40: 968–976.
- Palmer, J. 2003. Synthesis of Experience on Better Agricultural Practices for Environment Sustainability. *Journal of Asian Productivity Organization, Hirakawa-cho Dai-ichi Seimei Building 2F, 1-2-10, Hirakawacho, Chiyodaku, Tokyo* 102-0093. www.apo-tokyo.org/publications/files/pjrep-03-ag-ge-sem-11.pdf, Visited: 2003.
- Prasad Giri, C., Shrstha, S., Foresman, T. W. and Singh, A. 2000. Global Biodiversity Data and Information. www.unescap.org/stat/envstat/stwes-26.pdf, Visited: 2000.
- Sadati, A., Shabanali Fami, H., Kalantari, KH., Mohamadi, Y. and Asakere, A. 2010. Investigating Effective Factors on Attitude of Growers Towards Organic Farming: A Case Study in Babol Country in Iran. *Journal of Applied Sciences, Engineering and Technology*, 3(4): 362-367.
- Sanders, R. 2010. Agriculture, Agricultural biodiversity and Sustainability. www.biodiversityinternational.org/fileadmin/biodiversityDocs/Announcements/COP10/Agricultural%20biodiversity%20and%20sustainability.pdf, Visited: 2010.
- Sarabhai, K. 2007. What are the threats to Biodiversity. www.vigyanprasar.gov.in/Radioserials/Threat_to_biodiversity_-_draft_paper.pdf, Visited: 2007.
- Stocking, M. 1999. Agrodiversity: A positive means of addressing land degradation and rural livelihoods. Proceeding of the Message for Path Conference of International Geographical Union's Commission on Land Degradation and Desertification. University of Western Australia. September 20-28.

Analysis of Factors Influencing the Attitude of Rural Households of Shadegan Wetland on Agrobiodiversity

Roghayeh Yousefi Hajivand¹, Mansour Ghanian², Masoud Baradaran³,
Leila Ramezani⁴

Accepted: 7 June, 2014

Received: 17 January, 2015

Abstract

Shadegan Wetland as one of wetlands of the international Ramsar convention, has unparalleled Agrobiodiversity at its domain. In addition to agriculture and ranching, fishing, bird hunting, straw cutting and also harvesting forages from the wetland are possible benefits that are marginally utilized. However, these exploitations will bring many threats to the life of wetland. Therefore, the necessity of NGOs participatory activities are tangible in the conservation and management of the wetland, and this would only be possible by understanding the attitude and knowledge levels of those involved. So, the present study was conducted with the aim of analyzing the attitude of rural households and identify the important factors about agrobiodiversity at the domain of Shadegan Wetland using surveying method. The target population consisted of all rural households in the domain of Shadegan wetland (N=950). Sample were determined by using Morgan table and the Stratified proportional sampling, and 273 households were selected (n=273). The data collection tool was a questionnaire whose validity was confirmed by using a panel of experts in Ramin University. Also, the reliability of it was obtained by a pilot test and using SPSSv20 software. The reliability results obtained for items of knowledge and attitudes, were 0.87 and 0.83, respectively. The findings indicated that 49.1 percent of the people living in the rural areas had a relatively negative attitude towards agrobiodiversity. Also the “knowledge” variable (with a coefficient of 0.548) was determined as the most variance of attitude.

Keywords: Khuzestan province, Shadegan wetland, Discriminant Analysis, Agrobiodiversity, Attitude

1 - MSc in Extension and Education of Agriculture, Agriculture & Natural Resources University of Ramin Khuzestan, Mollasani

2 - Assistant Professor of Department of Agricultural Extension and Education, Agriculture & Natural Resources University of Ramin Khuzestan, Mollasani.

3 - Associate Professor of Department of Agricultural Extension and Education, Agriculture & Natural Resources University of Ramin Khuzestan, Mollasani.

4 - Assistant Professor of Department of Plant Protection, Agriculture & Natural Resources University of Ramin Khuzestan, Mollasani.

(* - Corresponding author email: Venus110@gmail.com)